

غیر تسوزی در پژواک راهبرد جنگ‌هر اسی دشمن

در روند تشدید فشار علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی امریکا که با جنگ روانی پر شدت آمیخته است و هدف نیز ایجاد رعب و هراس و درهم شکستن اراده ملت شریف ایران اسلامی است، متأسفانه برخی عناصر و جریانات مرموز یا مرموب داخلی نیز به‌دنبال القای جنگ قریب‌الوقوع هستند که نوعی همسویی و کمک به جنگ روانی دشمن محسوب می‌شود.

سابقه استفاده امریکا از قدرت نظامی برای حل مسائل خود با دیگر کشورها و حضور چهره‌های خشن و افراطی مثل جان بولتون و پیمنو در تیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا ازجمله نشانگان و دلایل مورد ادعا برای چنین القایی به‌حساب می‌آید که با تکیه بر اخبار برخی تحركات و جابه‌جایی‌های نظامی امریکا در منطقه تقویت می‌شود. برای مثال، استقرار ناو یواس‌ا براهام لینکلن و یک گروه از بمبافکن‌های امریکایی زیر نظر فرماندهی مرکزی(سنکتام) در منطقه که به ادعای جان بولتون هدف از آن، مقابله با هر گونه آماج‌گی احتمالی ایران برای حمله به نیروهای امریکایی در منطقه عنوان شده و همچنین دیدارهای مکرر ژنرال مکزی، فرمانده تروریست‌های امریکایی(سنکتام) با برخی مقامات سیاسی و نظامی کشورهای منطقه در زمره این نشانگان ذکر می‌شود.

حال آنکه اصحاب این ادعا تجلیل خود را از پله دوم شروع کرده و گویا فراموش کرده‌اند که اتفاقاً آنچه امریکایی‌ها را می‌تواند در روند ظالمانه تشدید فشارها علیه کشورمان به توفیق نزدیک کند، اثر گذاری بعد روانی این فشارها است و یکی از شعارهای ترامپ در رقابت‌های انتخاباتی او بی‌فایده دانستن لشکر کشی‌های امریکا و ورود به جنگ در منطقه غرب آسیا بوده است. بنابراین وقتی حمله امریکا به دو کشور ضعیف منطقه یعنی عراق و افغانستان و حضور در سوریه برای کاخ سفید تنها هزینه ۷ هزار میلیاردی و درهم شکستن ابهت نظامی را به‌دنبال داشته است.

این موضوع فرصتی برای تلاش به منظور ارعاب ایرانی‌ها است نه چیز بیشتر. روزنامه گاردین نیز با توجه به پیامد تحریک‌آمیز ادعای جان بولتون و نیاز به خنثی‌سازی آن، نوشت: «گردش ناوهای جنگی هواپیمابر و هواپیماهای بمبافکن در خاورمیانه روالی عادی است.

شهرت جان بولتون به ادعاهای بوج و فقدان درک سیاسی – نظامی عمیق که چندی قبل حتی ترامپ را وادار ساخت تا بگوید، اگر کار درست او بود، الان امریکا در چند جا وارد آتش جنگ شده بود.

از این رو جان بولتون گویا فراموش کرده بود که اعزام این نیروها از سوی نیروی دریایی امریکا، حدود یک ماه قبل اعلام شده بود لذا ادعای او تهدیدی توخالی محسوب می‌شود.

آسیب‌پذیری شدید نیروهای تروریستی امریکا در منطقه (سنکتام) که تحت‌ترکات ژنرال مکزی را باید نوعی واکنش نسبت به اشیاء تاریخی ترامپ در قرار دادن سپاهداران در فهرست گروه‌های تروریستی و در راستای جبران تشدید فشار روانی و ترس این نیروها از هر گونه درگیری ناخواسته تحلیل نمود.

آخر اینکه حتی اگر امریکایی‌ها، کابوس شکست‌های بزرگ در ویتنام، سومالی و هزنه‌های سنگین و بی نتیجه در لشکر کشی به عراق و افغانستان را فراموش کرده باشند، شکست اخیر رژیم صهیونیستی در غزه و اجبار نتانیاهو به پذیرش خواسته‌های طرف فلسطینی برای آتش بس می‌تواند عبرتی برای سران کاخ سفید و افراطیونی چون جان بولتون به حساب آید.

ایران اسلامی ثابت کرده که به دنبال جنگ نبوده و هیچ‌گاه تیر اول را شلیک نکرده است، اما در مواجهه بر هر گونه تهاجم با قاعقه ایستاده و ضربات کوبنده و مرگ‌افزین وارد ساخته است. ضمن آنکه هر گونه حماقت امریکایی‌ها در عرصه نظامی نه تنها تروریست‌های سنکتام را زیر ضربه می‌برد، بلکه هر کشوری که از خاک آن شلیکی صورت گیرد، آماج آتش مگر مبارک مدافعان ایرانی قرار گرفته و آتش هر جنگ احتمالی حتی منافع متحنان اروپایی آنان را نیز تهدید خواهد کرد که حداقل آن افزایش قیمت نفت و خسارت‌های اقتصادی ناشی از آن خواهد بود. بنابراین راهبرد ایجاد هراس با شبح جنگ بخشی از عملیات روانی امریکا که با ایفای نقش جان بولتون پیش می‌رود، نباید از زبان و قلم هیچ ایرانی غیر تمدنی پژواک داشته باشد.

سخن‌آخِر

سفیر پیشین ایران در عراق:

امریکاییش از این نمی‌تواند در آمدهای ایران را محدود کند

امریکا در این یازگی جدیدی که با عنوان فشار حداکثری بر ایران آغاز کرده دو دیگر خیلی از قدرت‌ها و نیروهای مطرح بین‌المللی راهمراه خود ندارد و تنها یک شریک همیشگی به نام اسرائیل و چند کشور کوچک در منطقه خاورمیانه مانند عربستان سعودی راهمراه خود می‌بیند، اگر بخوایم این شرایط را مقایسه کنیم دولت ایالات متحده امروز موضوع به مراتب ضعیف‌تر سار دارد.

حسن‌دلانی‌فر در گفت‌وگو با ایلنا، با اشاره به اعمال محدودیت‌های اخیر ایالات‌متحده در حوزه صنعت هسته‌ای و عدم تمدید معافیت‌های نفتی، در خصوص اهداف ترامپ برای فشار بر ایران در بعد مسائل خاورمیانه گفت: مسئله مسلم این واقعیت است که ترامپ و همفکرانش به دنبال یک فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی ایران هستند. آنها یک بازی انحصاری را در دنیا شروع کرده‌اند با این تفاوت که در بازی‌های قبلی، ایالات‌متحده قدرت‌های بین‌المللی را همراه خود داشت، اروپا تمام‌قد پشت‌سیاست‌های امریکا بود و برخی کشورهای دیگر مطرح در دنیا هم از این کشور حمایت می‌کردند.

وی ادامه داد: امریکا در این بازی جدید که با عنوان فشار حداکثری بر ایران آغاز کرده دیگر خیلی از قدرت‌ها و نیروهای مطرح بین‌المللی راهمراه خود ندارد و تنها یک شریک همیشگی به نام اسرائیل و چند کشور کوچک در منطقه خاورمیانه مانند عربستان سعودی راهمراه خود می‌بیند. اگر بخواهیم این شرایط را مقایسه کنیم، دولت ایالات متحده امروز موضع به مراتب ضعیف‌تر ی دارد. این کارشناس مسائل منطقه گفت: البته، ایالات امریکایی‌ها ابزارهایی هم در اختیار دارند و تلاش می‌کنند از این ابزارها استفاده کرده و به ایران فشار بیاورند و به قول خودشان توافق و برجامی که مورد علاقه صدرصد آنها نیست، تهیه شود. وی افزود: با وجود داره که ما توانیم صادرات خود را به ویژه در حوزه غیرنفتی افزایش دهیم، سفیر پیشین کشورمان در بغداد در پاسخ به این سؤال که یکی از همسایگان مهم ما برای پیشبرد همکاری در زمان تحریم‌ها عراق است و امروز ستولان از افزایش حجم مبادلات با این کشور تا سقف ۲۰ میلیارد دلار سخن می‌گوید؛ با پاساژ عراق ظرفیت این میزان افزایش مبادلات را دارد و اینکه تا چه میزان می‌توان به مقاومت بغداد در مقابل فشارهای ایالات متحده امیدوار بود، گفت: مسئله تحریم‌های ایران مسئله امروز و دپروز نیست و امریکایی‌ها تنها معافیت‌هایی را تعیین کرده بودند که حاضر به تمدید آن نشدند.

۲ جوان

پایسده